



The Walters Art Museum  
600 N. Charles Street  
Baltimore, Maryland  
21201

<http://www.thewalters.org/>



<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/3.0/legalcode>  
Published 2009

NOTE: The pages in this book are ordered from right to left. This means that to view the pages in order, you should go the last page of the document and read what would be from “back-to-front” for a Western manuscript.

This document is a digital facsimile of a manuscript belonging to the Walters Art Museum, in Baltimore, Maryland, in the United States. It is one of a number of manuscripts that have been digitized as part of a project generously funded by the National Endowment for the Humanities, and by an anonymous donor to the Walters Art Museum. More details about the manuscripts at the Walters can be found by visiting The Walters Art Museum's website [www.thewalters.org](http://www.thewalters.org). For further information about this book, and online resources for Walters manuscripts, please contact us through the Walters Website by email, and ask for your message to be directed to the Department of Manuscripts.





M-4-13



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله  
والحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
والسلام  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله  
والحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
والسلام  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
والسلام

Handwritten text in two columns, likely a manuscript page. The text is written in a cursive script, possibly Persian or Arabic, and is enclosed within a decorative border. The page is aged and shows signs of wear, including stains and discoloration.

Handwritten text in two columns, likely a manuscript page. The text is written in a cursive script, possibly Persian or Arabic, and is enclosed within a decorative border. The page is aged and shows signs of wear.

Handwritten text in two columns, likely a manuscript page. The text is written in a cursive script, possibly Persian or Arabic, and is enclosed within a decorative border. The script is dense and fills most of the page area.

Handwritten text in two columns, likely a manuscript page. The text is written in a cursive script, possibly Persian or Arabic, and is enclosed within a green rectangular border. The page is aged and shows signs of wear.

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله  
والحمد لله رب العالمين  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله  
والحمد لله رب العالمين

الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله  
والحمد لله رب العالمين  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله  
والحمد لله رب العالمين

خبر من خبر من  
خبر من خبر من

لله الودع  
مواهب الودع

منع من منع من  
منع من منع من

خبر من خبر من  
خبر من خبر من

لله الودع  
مواهب الودع

منع من منع من  
منع من منع من

بسم الله الرحمن الرحيم

مغرمه

مجلس اول در بیان

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or title, located at the bottom of the page.

الحمد لله

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, written in a cursive style. The text is written on aged, yellowed paper and is partially obscured by the binding edge on the left.

فی اس سوره الرحمن

و هو محمد بن عبد الله بن محمد

را احوال

بسم الله الرحمن الرحيم





سازن محراب سحر  
نشسته بر فراز  
نور خورشید در آید

کردن که غمش در آید  
به بیدار صبح در آید

بعد از شب  
در صبح در آید

مجلس  
در آید  
در آید

غمش جان مرده در آید  
دل در آید

در آید  
در آید

بصدقه مباح  
شدم چنان در بیدار

ملا عجب در بیدار  
بکس از بیدار

این فکر هم چنان  
صیاد کوی دهر

زنده اش کین در فلک  
سحر کسش بر باله

فکر در این  
چشمه در این

ببین در این  
مهر در این

بخت بدست  
عقل در اندام  
کرم در پای  
عادل در داور

بخت بدست  
عقل در اندام  
کرم در پای  
عادل در داور

باله بزرگ تو آمد شد جهان بزم  
نیت از خود از زلفش نوزد  
منع دل به العجب  
زلفش در دایم

پیراه ما را که در بر در حلق  
رحم کن بر جان خود بر پیش  
نفس  
طبع در دایم

خداوند جان و دل  
که بود و می ماند  
در هر حال و در هر حال  
در هر حال و در هر حال

دشمن از سر و پا  
چرخ از پا  
دشمن از سر و پا  
چرخ از پا

ما میدانیم که  
ما میدانیم که  
ما میدانیم که  
ما میدانیم که

در هر حال و در هر حال  
در هر حال و در هر حال  
در هر حال و در هر حال  
در هر حال و در هر حال

ما میدانیم که  
ما میدانیم که  
ما میدانیم که  
ما میدانیم که

ما میدانیم که  
ما میدانیم که  
ما میدانیم که  
ما میدانیم که

زین دلو صوری که  
کمال است و باریک  
و باریک و باریک

چو فیهی باریک که

ساخته بچو ماه باریک

ولی که باریک و باریک

و باریک و باریک

مکمل  
مکمل و باریک  
و باریک و باریک

و باریک و باریک

و باریک و باریک

و باریک و باریک

و باریک و باریک

مستور و غیبی  
از این علم را که  
از این علم را که

را که چه دیده بود  
بهوشش بش که

که که  
که که  
که که

مستور و غیبی  
از این علم را که  
از این علم را که

با در این انداز  
یا حوصه بد

که که  
که که  
که که

چو باد در صحرای دستان  
چو نسیم در آغوش گلستان

ولا در ملک شرب جزر الکرم  
بیا مباد و در دریا در آن

بیا ماه را در آغوش  
که در کف با هم خفا

سایه در آغوش گلستان  
سایه در آغوش گلستان

من این مرفع دیر بر سر  
در این صحرای گلستان

بیا ماه را در آغوش  
که در کف با هم خفا

تسبیح  
صفتی که در  
سجده ها و در بر سر  
آوردن کوفته را میگویند

چون از حال کرم در آید  
در اسم غفر کرم و غفر  
و لا حیدم را میگویند  
و لا حیدم را میگویند  
و لا حیدم را میگویند  
و لا حیدم را میگویند

تسبیح  
صفتی که در  
سجده ها و در بر سر  
آوردن کوفته را میگویند

چون از حال کرم در آید  
در اسم غفر کرم و غفر  
و لا حیدم را میگویند  
و لا حیدم را میگویند  
و لا حیدم را میگویند  
و لا حیدم را میگویند

بوی که با پیکر  
وصف در موی پای

از سر لوتها پی  
دل

اندیشه سبزه بان را

نغمه که در چاک  
شکوه که در دوا

بوی که با پیکر  
وصف در موی پای

در مدح رسد از فخر را

ایستاده باشد و دینی از روی

نغمه که در چاک  
شکوه که در دوا



حسب دل بخواهش  
بر دست سحرش

با اهدا مهر کمر لعلش  
وز نا اهلان هم پیش از

با اهدا مهر کمر لعلش  
وز نا اهلان هم پیش از

حسب دل بخواهش  
بر دست سحرش

با اهدا مهر کمر لعلش  
وز نا اهلان هم پیش از

با اهدا مهر کمر لعلش  
وز نا اهلان هم پیش از

نقشبند  
شیراز  
دعای خجسته

مستوار حجت له لعل لؤلؤ  
بابت ورد در کمال

نسخه غنیمت  
که در حلقه

من چه دارم بر تو

صاحب  
مهر دارم

غنیمت  
دارم که در هر روز

غنیمت  
دارم که در هر روز

سودها را تو

نسب خاسته یی  
نسب خاسته یی  
نسب خاسته یی

نسب خاسته یی  
نسب خاسته یی  
نسب خاسته یی

نسب از اب اس محمد و  
بکره در راه کرم نامی یی

بهر طهارت نموده  
خبر فدا در اندر معینه

نسب از اب اس محمد و  
بکره در راه کرم نامی یی

نسب از اب اس محمد و  
بکره در راه کرم نامی یی

نام او یکه  
در عایش

باد صور  
نام او در

کشم  
بهراد

خدا  
صدیقه

از نه هر کس  
پند بر

کعب  
جهت دارم

سکینه و آرامش  
در دل و جان

دین در دهر زنی مال  
مگر جسد بهر تسخیر عظام

وین عذران و عذران  
بست زانیم دران

از عجب این عالم  
بسیار است از این

هر چند در حد و حد  
چون رضوی حکم بی تکرار

و در این عالم  
کوه است از این

حاجت  
ناجست  
نفس

دعوی  
لاف

نفس  
نفس

نفس  
نفس

نفس  
نفس

نفس  
نفس

نفع این عسل برای کما  
کتاب

تو در قصره ای در دل  
سعد خواجی دس در

عسل طعم می این  
عسل

نفع این عسل برای کما  
کتاب

دلها همه در به رکبه آن  
انکه سر به در العبر

دل حکم عمر  
فایه زبده آن ده

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

برادر من که در راه  
گشتند و در راه  
گشتند و در راه

[illegible]

Handwritten text in Arabic script, likely a title or chapter heading, written in a cursive style. The text is oriented vertically and appears to be a religious or scholarly work.

سر عاود در میان نه طرف مش  
بصفت برشته دیوار و در

کتاب فی الجبر

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين وآله

أجمعين  
صلى الله عليه وسلم  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خلائفهم  
في الأرضين والسموات

والجنتين  
والذين هم أئمتهم  
على خلقهم  
إمامين  
معدون

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين وآله

أجمعين  
صلى الله عليه وسلم  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خلائفهم  
في الأرضين والسموات

والجنتين  
والذين هم أئمتهم  
على خلقهم  
إمامين  
معدون

والله اعلم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل العلم نوراً  
والمعرفة هدىً والعبادة سعادةً  
والإيمان قوتاً والجنة داراً  
مقاماً لا يدرى ما هي إلا  
الجنة التي وعدت المؤمنين  
والنبيون الذين آمنوا بالله  
وملائكته وكتب في الصحف  
التي كان يكتبون

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

که است خانه در این اردک  
از چشمه در این اردک  
بیاورم  
و میوه علی الصالح  
سعدی الطاهر

[illegible]

که این معانی منتها کمال است  
زین نوع دلداران جوان  
رو به حال فانیان  
احسن عظمی  
و در این معانی منتها کمال است





شماره  
غسله  
چند  
در

در دایره  
از

وضع  
در

طرح  
عارفان

مستطیل  
در

در

در

در

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

صافه منبره در موضع برین  
دارد هرگز در هرگز  
توقف ندارد

در هرگز در هرگز  
در هرگز در هرگز  
در هرگز در هرگز  
در هرگز در هرگز

و صفه منبره  
در هرگز در هرگز  
در هرگز در هرگز  
در هرگز در هرگز

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

در هرگز در هرگز  
در هرگز در هرگز  
در هرگز در هرگز  
در هرگز در هرگز

مداوم حافظه شده است  
چرا که اینها  
رفتیم صانع جسم پر از  
ایه میسر با کلام ادوار  
است  
از اینها  
در اینها  
در اینها  
در اینها

راه

مداوم حافظه شده است  
چرا که اینها  
رفتیم صانع جسم پر از  
ایه میسر با کلام ادوار  
است  
از اینها  
در اینها  
در اینها  
در اینها

سازگار  
که در پیشگاه  
مهر و محبت  
سازگار

سراسر قدر و شایسته

که در این دین

منتهی به شرف و کرامت  
نویسند

در هر دین و در هر عصر

که در درون و دل و در

سازگار  
که در پیشگاه  
مهر و محبت  
سازگار

مراد از این صفت

بنا بر این شریف

که در این دین  
نویسند

کلاه هر دین

که در این دین و در هر عصر

تشنه  
ز لبم که  
کس نکند

قباس کردم و عرق پر در راه  
چه شبنم و آب گلستان

صفت چو در آید  
بیا که بپای

بیا که حرف من را

عشق  
دلم عشق  
کس نکند

طبع راه تن عشق  
با درت کن از راه

دلم که در آید  
خوش آن

ز نال و فغانم





سایه صمدی  
بدرجه صمدی  
که در دست زلف در چو باد  
نغمه زار در آواز  
که ما را در آساید

عالم اسرار  
که در پیشگاه  
که در پیشگاه

بدرجه صمدی  
که در دست زلف در چو باد  
نغمه زار در آواز

که ما را در آساید  
که در دست زلف در چو باد  
نغمه زار در آواز

که در پیشگاه  
که در پیشگاه

شمس و ماه  
 صبح و شام  
 لایق و زور  
 حشمت و کرامت  
 در افق و بحر  
 بارش و باران  
 معجز و معجزه  
 مطوع و مطوع  
 مستجاب و مستجاب

نصرت و نصرت  
 در باب و در باب  
 مستجاب و مستجاب  
 کرامت و کرامت  
 حلال و حلال  
 معجز و معجز  
 مطوع و مطوع  
 مستجاب و مستجاب





عن مريد الرضا رحمه الله  
كلامه في

الشيخ  
الحسين بن علي  
بن ابي طالب  
الطوسي

الشيخ  
الحسين بن علي  
بن ابي طالب  
الطوسي

عن مريد الرضا رحمه الله  
كلامه في

الشيخ  
الحسين بن علي  
بن ابي طالب  
الطوسي

الشيخ  
الحسين بن علي  
بن ابي طالب  
الطوسي

اگر چه  
بسیار  
از  
عجز  
کبر  
از  
عجز  
بسیار  
از  
عجز  
بسیار  
از  
عجز  
بسیار

مست  
از  
عجز  
بسیار  
از  
عجز  
بسیار  
از  
عجز  
بسیار  
از  
عجز  
بسیار

حسب الله و الله اعلم  
بما نزلنا من كتابك

سبحان الله العظيم  
سبحان الله العظيم

الحمد لله رب العالمين  
الحمد لله رب العالمين

حسب الله و الله اعلم  
بما نزلنا من كتابك

سبحان الله العظيم  
سبحان الله العظيم

الحمد لله رب العالمين  
الحمد لله رب العالمين

صبح بیدار  
 عجب بیدار  
 کو بیدار بیدار  
 از لایق تر بیدار  
 سواره نراندازکی  
 من بکوه راه بیدار  
 خورده نراندازکی  
 خورده نراندازکی

صبح بیدار  
 عجب بیدار  
 کو بیدار بیدار  
 از لایق تر بیدار  
 سواره نراندازکی  
 من بکوه راه بیدار  
 خورده نراندازکی  
 خورده نراندازکی

فلك  
شمس و در در  
نقطه  
نقطه  
نقطه

نیا نه اندر دیا رگوش  
چو ایشتر خوش خور  
منه  
عبد و در در  
عبد و در در

نقطه  
نقطه  
نقطه  
نقطه  
نقطه

جند و در در  
حال معسر در در  
عبد و در در  
عبد و در در

بخت بدست جوی را چاک  
از خود می کشد

خرد درش دو سیم دپی  
بود صبر برین در پواید

غش را غش را غش را  
درین در دین در خفا

ایا صفا کمال است  
که در از با در است

ز لیا را بگو از پیر کسوف  
در بومست قاف نهان مراد

بچه در در در در در  
در در در در در در

تو در دل کس خود را ندان  
خدا را علم هر آن که

بهر آن رسوم تو  
مخالفه کس نشانی

بند از خانه را  
کنون این طور

تو در دل کس خود را ندان  
خدا را علم هر آن که

و لیکن خاص اندر  
مستاع او خوب این دم

ارک از کجایه  
که در راه هر روز

سید علی

قوله  
والمؤمنون هم الذين آمنوا  
بالحق وصدقوا به

در این کتاب  
که در این کتاب  
که در این کتاب

در این کتاب  
که در این کتاب  
که در این کتاب

در این کتاب  
که در این کتاب  
که در این کتاب

در این کتاب  
که در این کتاب  
که در این کتاب

در این کتاب  
که در این کتاب  
که در این کتاب

در این کتاب  
که در این کتاب  
که در این کتاب

ما را برسان بوی گلستان  
خواجه بهی ز غم غلام

حافظ مریدم ز غم غلام  
در بند بندگی گلستان

رضی عنده  
هم دردم  
بدر کوه کباب

گلستان بوی گلستان  
صالح سالک

بجده لعل لعل لعل  
بی روم در بند گلستان

مرا به  
مرا به  
مرا به

سازد به صاحب  
نمای  
بهر صفا می  
بهر صفا می

راز در دل بچه بر او  
مرگش

لین حال نیست زاید و لیمو

شعور و علم  
شعور و علم  
شعور و علم  
شعور و علم

نای صبح  
نای صبح  
نای صبح  
نای صبح

در بر من در دین و مخرج  
کشد

بغیر طمع مدار سوال در ام

شعور و علم  
شعور و علم  
شعور و علم  
شعور و علم

خداوند  
که بر این عالم  
حاکم است

مسکندم از او  
شبیه راه صاف  
از او  
جایگاه  
الک

نفس  
بدرین عالم  
حاکم است

صغیر بود در خاطر عالم  
و بغیر تو مرید  
همین بر این  
الک

چون در میان من و تو ایستاد  
شاید که غم را کارگاه

بر عاشق تو من خدا را  
بر سپید لعل کبریا

چون در میان من و تو ایستاد  
شاید که غم را کارگاه

در آن که از تو دیدم جوهر  
گشته بر پا دارم که غم را

زبانم در دهان تو ایستاد  
زبانم در دهان تو ایستاد

در آن که از تو دیدم جوهر  
گشته بر پا دارم که غم را

چون در میان من و تو ایستاد  
شاید که غم را کارگاه

آخر عمر کن رحال را  
بجدا بیدر خندگی پر

در این کتاب  
که از این کتاب  
را من

این کتاب  
در این کتاب  
در این کتاب

در این کتاب  
در این کتاب  
در این کتاب

در این کتاب  
در این کتاب  
در این کتاب

در این کتاب  
در این کتاب  
در این کتاب

در این کتاب  
در این کتاب  
در این کتاب

قلم  
سید  
ارشد  
شیر

افند  
دستم  
میر  
خدا  
رام  
خیم  
دلم

سید  
خدا  
رام  
خیم  
دلم

قلم  
سید  
ارشد  
شیر

افند  
دستم  
میر  
خدا  
رام  
خیم  
دلم

سید  
خدا  
رام  
خیم  
دلم

فخر  
در این شهر  
بزرگوار

مسافر  
که در این شهر

چه دانی نوایر

نورانی

در این شهر

دلم که گویند از سر

توان بر این شهر

نورانی  
در این شهر  
بزرگوار

مسافر  
که در این شهر

چه دانی نوایر

نورانی

در این شهر

دلم که گویند از سر

توان بر این شهر

از زبان این کلام  
چو از این کلام

الکلمه غایب است  
چه بنده این کلام  
من  
از این کلام  
از این کلام

من  
از این کلام  
از این کلام

نه در این کلام  
از این کلام  
از این کلام  
از این کلام  
از این کلام

اگر چه راه را با او  
مستقیم می کرد  
معاذ الله

در صورتی که  
در شمس العزیز  
نشان  
صفت او

در حدیثی است که  
در حدیثی است که  
در حدیثی است که

نواب نه اردلان  
اگر چه که روحه  
نشان  
نشان  
نشان



بدرجی زود آمدن را چاره  
چو عاشق صادق باشد

بدرجی زود آمدن را چاره  
چو عاشق صادق باشد

بدرجی زود آمدن را چاره  
چو عاشق صادق باشد

بدرجی زود آمدن را چاره  
چو عاشق صادق باشد

سودا سید  
سودا سید

کوبند گنج عیش  
قطع نظر سر ز جاد

از آنکه زدم و جاد  
در جاد و جاد

سودا سید  
سودا سید

اشع لعل لعل  
در لعل و لعل

سودا سید  
سودا سید

نظر در دل آید  
اگر در این چرخ

نظر در این چرخ  
چرخ در این چرخ

چرخ در این چرخ  
چرخ در این چرخ

نظر در دل آید  
و در این چرخ

نظر در این چرخ  
چرخ در این چرخ

چرخ در این چرخ  
چرخ در این چرخ

سورتن پور و کاشانی  
سیطان بنجامین

قائد ارشد فاضل فرار  
سیر در قلم حیران

برو کف و لب چ  
زنجاره افلاک

سورتن پور و کاشانی  
سیطان بنجامین

کرت غلام رزگار

کرت غلام رزگار  
نور

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله

وآلهم الطيبين الطاهرين  
الطاهرين من كل دنس  
والسلام على من  
آتاه الله الدين

والسلام على من  
آتاه الله الدين  
والسلام على من  
آتاه الله الدين

والسلام على من  
آتاه الله الدين  
والسلام على من  
آتاه الله الدين

والسلام على من  
آتاه الله الدين  
والسلام على من  
آتاه الله الدين

والسلام على من  
آتاه الله الدين  
والسلام على من  
آتاه الله الدين



نه اصرار در بوی بخت  
نه اصرار در بوی بخت

که امین مهر سال اصرار  
که هم بخت جوان را در صدم

بیا که در در بخت  
بیا که در در بخت

نه اصرار در بوی بخت  
نه اصرار در بوی بخت

عزیز چون بزم عمر که  
مبارک بزم در بخت

بخت شادان  
بخت شادان

بزرگ دین اسرار سیکه  
کر از دوران برآمد از کرم

بزرگ شمشیرم جان پرکشش

گو گوئی لله در جگر نه غمزه دار

بیا بیا مبارک حاج  
که حاج وادارم حاج

چرا بر این راه سیکه  
چرا بر این راه سیکه

چرا بپوشانم را کف خورشید

چرا بپوشانم را کف خورشید

درین غم حاجت سیکه  
درین غم حاجت سیکه

ازین غم حاجت سیکه  
ازین غم حاجت سیکه

سید طاهر کاتب  
بدره پست در ایامه

از پس که یار دارد در دست  
هر چه در گرم خون کا به جود

عجبه را طعم جویم که در طبع  
نقشه ایامی غافلند

بهار از دهن گل از گل  
جفا طه شد از او عذر

بهرین برله طوطی کمر سپهر  
بسر خنده مهر خون کوه خیز

بیخواب با در سر و کلاه  
که رسیدن در این حال

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خلائفك  
وورثتك  
والمؤمنين  
والمؤمنات  
والمسلمين  
والمسلمات  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خلائفك  
وورثتك  
والمؤمنين  
والمؤمنات  
والمسلمين  
والمسلمات  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خلائفك  
وورثتك  
والمؤمنين  
والمؤمنات  
والمسلمين  
والمسلمات

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خلائفك  
وورثتك  
والمؤمنين  
والمؤمنات  
والمسلمين  
والمسلمات  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خلائفك  
وورثتك  
والمؤمنين  
والمؤمنات  
والمسلمين  
والمسلمات  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خلائفك  
وورثتك  
والمؤمنين  
والمؤمنات  
والمسلمين  
والمسلمات

درد است ایستخ جامه بلب  
ز انچه با رخ عین چشم

آمد و حواسم از بر من  
شبح فرقه که از صومعه

چون لب نشسته بر لبه  
ان مباد که مدار

حافظ علم در باره  
هرگز از لب زاری

چشم رخ بار من  
بر خسته دلال خجسته

صوفی و صمد  
ایام و انچه

باب اول در بیان  
منازل و احوال

دولت شاهان و سلاطین  
دولت ملوک و پادشاهان

فراوانی صاحبان  
افعال و احوال

که در عهد و عهد  
که در عهد و عهد

بر خیزم غمزه ای  
که اندر دل اسیران

صاحبان و  
صاحبان و

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

كشيت الله عز وجل  
كشيت الله عز وجل  
كشيت الله عز وجل

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

مستعد حرم  
مستعد حرم  
مستعد حرم

کرم خورم  
کرم خورم  
کرم خورم

بکاف  
بکاف  
بکاف

مستعد حرم  
مستعد حرم  
مستعد حرم

کرم خورم  
کرم خورم  
کرم خورم

بکاف  
بکاف  
بکاف

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

در صورتی که در این  
کار است

که چه نوازید و یا بستم  
که چه نوازید و یا بستم

که چه نوازید و یا بستم  
که چه نوازید و یا بستم

در صورتی که در این  
کار است

که چه نوازید و یا بستم  
که چه نوازید و یا بستم

که چه نوازید و یا بستم  
که چه نوازید و یا بستم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
الذي كنا لنهتدي لہ

منطقه کربلا

چه بنویسد در باب پادشاه  
چه بگوید در باب پادشاه

زهر اندک و فاسد  
دل سست و دماغ

بمباران سال احزان  
و عهد وصل و فراق

دل سست و دماغ  
بمباران سال احزان

دل سست و دماغ  
بمباران سال احزان

بمباران سال احزان  
و عهد وصل و فراق

من که در این عالم  
مستورم و پنهان  
مستورم و پنهان  
مستورم و پنهان

من که در این عالم  
مستورم و پنهان  
مستورم و پنهان  
مستورم و پنهان

من که در این عالم  
مستورم و پنهان  
مستورم و پنهان  
مستورم و پنهان

من که در این عالم  
مستورم و پنهان  
مستورم و پنهان  
مستورم و پنهان

من که در این عالم  
مستورم و پنهان  
مستورم و پنهان  
مستورم و پنهان

من که در این عالم  
مستورم و پنهان  
مستورم و پنهان  
مستورم و پنهان

من که در این عالم  
مستورم و پنهان  
مستورم و پنهان  
مستورم و پنهان

بخت افشود  
بخت افشود  
بخت افشود  
بخت افشود

بخت افشود  
بخت افشود  
بخت افشود  
بخت افشود

بخت افشود  
بخت افشود  
بخت افشود  
بخت افشود

بخت افشود  
بخت افشود  
بخت افشود  
بخت افشود

بخت افشود  
بخت افشود  
بخت افشود  
بخت افشود

بخت افشود  
بخت افشود  
بخت افشود  
بخت افشود

چو کلبه رسیده ماحل اسرار  
کمی رویم بفرمان این جانب

فرار صبر ز فطوح طمع مدار  
در آرزو صبور گرامی در آرزو

باز در این عالم  
بهر کجایم

چو کلبه رسیده ماحل اسرار  
کمی رویم بفرمان این جانب

فرار صبر ز فطوح طمع مدار  
در آرزو صبور گرامی در آرزو

باز در این عالم  
بهر کجایم

را بپردازد خاطر این در پیش  
در در پیش چشم

صدراع کبری و من خرابی  
به پیش تفاوت ره لاری

و نیت بدلی صلیع هوای  
سماع و خطی به نیت

که بار حسن مادر و حاصل  
کسی به سوال و جواب

در در حسن دل و حسن  
چراغ قلمه کی نور افشانی

به پیش کمال و در  
کسی به سوال و جواب

ایمیل هزاره دانش و ادب  
صدقه داران

عمر دل کی بی بی افروز  
کوفت  
اپنی سوزیم اندرون بلور

کتاب عطر و ادویه  
موسس حور و سیدی

که به جوانان میسر می آید  
در این راه به راه می آید

از ده این را کویر حجاز  
شماره چهار و ده

الفصل في بيان  
الاعمال الصالحة

در  
کردم مین  
رخت بد بخت

نیکه بر چه در سر گم  
بخشم دست خودم بگو

همه در راه  
ز فواید آن

کردم مین  
رخت بد بخت

مورث داده بودم  
مذبح کلید و عموکل

از مونس آن را  
از آن همه

صدیق اعظم  
برای کمال

جدا عشق حقیقی  
شرط مجرب دکان

کریمه جوهر نورانی  
در صیقل اندیشه

راز حق تعالی  
در کتب معتبره

برق کمالی که هرگز  
طوفان محض غلبه نمی یابد

سلسله حقایق  
بر سر درستی حق تعالی

باز فغانی بیدار  
از خجسته زیندبان  
از خجسته زیندبان

اگرچه خون دلم حور  
نغمه شاد

بگویم ز شمس خورشیدها  
نظم

صدرا اول و صفا  
که زلف کزین صفا  
نظم

کسی که بیدار  
از خجسته زیندبان  
از خجسته زیندبان

اگرچه صدور دلم حور  
نظم

نیت دل ز شمس خورشیدها  
نظم

صدرا اول و صفا  
که زلف کزین صفا  
نظم

بیا ای که  
در جای آراست

که در خط  
چرخ لطف درویش

در جهان  
بیا ای که  
خود را درویش

بیا ای که  
در خط لطف

در خط لطف  
در خط لطف

در خط لطف  
در خط لطف

در خط لطف  
در خط لطف

که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه

که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه  
که در این جهان چو کوه



مکتب و مکتب خان  
که این را در  
مکتب

مکتب و مکتب خان  
که این را در  
مکتب

بدار او را در دست  
در پند و اندرز  
در سخن هر که هست

دشمن او در دست  
در پند و اندرز  
در سخن هر که هست

صالح و صالح  
این را در  
مکتب

صالح و صالح  
این را در  
مکتب

سندباد  
چو که از هر کس  
خونش ببرد  
بدرید

یا کجور زخم مال  
ببین

چو مهر سحر  
دور در کجور دارد

سندباد

خونش ببرد  
بدرید

لادن دارد

سندباد  
چو که از هر کس  
خونش ببرد  
بدرید

در رزل قیده  
دلها هم دارد

دو کس دل  
دور در کجور دارد

سندباد

خونش ببرد  
بدرید

لادن دارد

ز جابجوس قدم یکسر  
کز فام سر لابل

جز سایه درین راه هرگز  
تضر بر بحر افق قدم راه

لر در دل سدا صیغ  
شکفت از عجب جاد

بختی که هر کس باغ  
ال صواب در هر جا

مرد از سر دلا غم ابر  
غم یار ز دیا بر سر ابر

سج را بود و کالم در  
چیزند العا که

هر چه در این عالم است  
فقط حق و حقیقت است

از کاه و عجر نعمت  
بشعور خمیر لا مومر کنی دعا

کمال این عالم را  
چون نور در آینه

بهر چه در این عالم است  
فقط حق و حقیقت است

نگار کمال که در کمال  
نوال در این عالم

در این عالم  
عاقبت همه چیز

مهر و مهر و مهر و مهر

از هر یک یک

تعالی روح و بدید که هر یک

که این من و روح را

حس و عاقل را

اندر این عالم

از هر یک یک

از هر یک یک

از هر یک یک

از هر یک یک

از هر یک یک

از هر یک یک

از هر یک یک

از هر یک یک

از هر یک یک

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

عن الصادق عليه السلام  
قال من قرأ هذا  
القدر في كل يوم  
مئة مرة

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

عن الصادق عليه السلام  
قال من قرأ هذا  
القدر في كل يوم  
مئة مرة

عن الصادق عليه السلام  
قال من قرأ هذا  
القدر في كل يوم  
مئة مرة

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين

پس معاف حیات معقول  
معوذم کلام نوادر پر  
نکستیم

شعاع کلام در عشق  
محیط جان را در پرده  
نجم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين

و طوبی بر معول پر  
من کرد فکر در سر این  
لکشم

نظم کلام در عشق  
و شمع را در پرده  
نجم

شبهه در این  
معدن کریم

من این عین  
صد زینب

نمایند رخسار  
عقب صورت فردا

بنام اینت دریا  
با حد کفر حق

نصف حلال عادل  
بمصلحت

نصف در این  
مصلحت

سایه طرب بر کمر حوضه  
سایه طرب بر کمر حوضه  
سایه طرب بر کمر حوضه

دللم از پرده بشده خاطر  
تا بقول غزلش سرودار  
کشم

ما ز باران  
الطوفان

سایه طرب بر کمر حوضه  
سایه طرب بر کمر حوضه  
سایه طرب بر کمر حوضه

کدام حست نه حوضه  
مارم همت برد بکجا شستم

الطوفان  
الطوفان

کسب و  
بازارم پیکر  
عمر جوان را فدا به پیوستم

دل که چهار سده دارد ز پیوستن

نخستین سیر را در دوزخ

و در

حکم که بخت پیوستم  
بایش از بهر دوزخ

مدد را طریقه  
صاحب را در دوزخ

در ره که در دوزخ

بهر اهریمن پیوستم

و در

حکم که بخت پیوستم  
بایش از بهر دوزخ

ایستاد جان من از چو کوه  
دیده ام در این دهر  
دیده ام در این دهر  
دیده ام در این دهر

کس در دهر نماند  
که هر که دل نبو در دهر  
که هر که دل نبو در دهر  
که هر که دل نبو در دهر

چو کوه است  
چو کوه است  
چو کوه است  
چو کوه است

چو کوه است  
چو کوه است  
چو کوه است  
چو کوه است

بهر دهر نماند  
که هر که دل نبو در دهر  
که هر که دل نبو در دهر  
که هر که دل نبو در دهر

چو کوه است  
چو کوه است  
چو کوه است  
چو کوه است

زادشاد جهان  
زادشاد جهان  
زادشاد جهان

برو بهر چه بود از هر کج و دروغ  
چو بدین معنی رسد که گاه بدست

کجاست که در این عالم  
که در این عالم

زادشاد جهان  
زادشاد جهان  
زادشاد جهان

همدست منم که راه و پست  
چون نرسد که نه برادر

زادشاد جهان  
زادشاد جهان  
زادشاد جهان

از رحم ابدی و بی پایان  
خارج گشت و به عالم  
و ده که از این

من بجای ابد گشته پس طرف  
منفی هر طرف می بینم

از این عالم بیرون  
از این عالم بیرون  
از این عالم بیرون

چند در این عالم  
سبب محبت ابدی و بی پایان

صومر نه می که چون لیمه  
بارش در این عالم بیرون

عشق  
حافظ از این عالم بیرون  
بدرم از این عالم بیرون

نیمه راز باب ششم از علم راز  
شبه سبک روان راز

پاکر به در فیه راز  
حرکت شبه لام و بی

روان شبه سبک راز  
از دانش علما

محکم  
روان سبک راز  
کشف در علم

اگر چشم از دست بران  
سلاح دیوانه بران

مطلب سبک راز  
سبک سبک راز

باده لاج مکتب  
ز خبا حور دایه

دارد دارا  
از سر نغمه

از فریب کمرش  
حفظ صلیبی  
وزیر اسب  
جمع کند خرد مالک

نصرت پیش  
از سر شش  
بازدهن  
ش به نغمه

نصیب کرمی که در پیش  
از آن کوهر نه از جلا

بر اندان مگوای شمع  
که با جود کسای

بغیر از صانعان رس  
خدا در کرم دوشیده

بهر سر راه سپهر  
نودانی حرم بشپیده

یک کجای که در پیش  
در عین سیم

نزدیم حرم که در پیش  
تغیراتی که اندر

خدا را چه که بخواهد  
سر غنچه چو گل

در خانه هم چو پسر و دختر  
خوش باش که از در و درگاه

از بهر لب چو زخمی  
دست و پا چون باغی

خدا را چه که بخواهد  
سر غنچه چو گل

در خانه هم چو پسر و دختر  
خوش باش که از در و درگاه

از بهر لب چو زخمی  
دست و پا چون باغی

خوشتر از صبح پیش  
حدا و مدد دارا دارا

زرکب د صد لوحه  
در هر خطه میخیزد رانش

میان جعفر و امیر  
عمر امیر از پیش

در هر خطه و مدد

جرا حفظ و برید از آن

که نیاید از دست  
که نیاید از دست

مکنید از این حرام  
که دارم صوفی خوشتر

در این خطه و مدد  
دلا جوی از پیش

سبحان الله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين

سبحان الله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين

بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم

پس چرا بگریه درو  
پس چرا بگریه درو  
پس چرا بگریه درو  
پس چرا بگریه درو

بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم

بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم

بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم

بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم

بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم  
بازم که در این عالم

سینا  
باز که در این  
باز که در این

حافظ در دست

بند است زر و دنیا

خمس

از این

عنا

فرجه باد طالع

بیرید اندر رفته

سینا  
باز که در این  
باز که در این

از طعمه فر

چون زر اگر بر بند مراد در دستان

خمس

از این

عنا

دل از طغیان

از توفان

لکمه



چو عیون منور  
نزد آنکه که این دنیا جمع

صدور داد من همانند از سر  
در مایه خوراک و باقی

باب اول در بیان  
دو دهر سپید در این راه

چون که از راه دور  
دانش در این راه

ماحول که در این راه  
جان من در این راه

آنکه جان عاشق را  
کس پاره در این راه

این سبک در این راه

این سبک در این راه

پس از این راه

حفظ این راه

بهر در این راه

سپاس که از ده گم زنجیر  
سپاس که از ده گم زنجیر

بجو جمع چو ده گم  
بجو جمع چو ده گم

چو ده گم زنجیر  
چو ده گم زنجیر

غنچه که داد در ده گم  
غنچه که داد در ده گم

چو ده گم زنجیر  
چو ده گم زنجیر

بجو جمع چو ده گم  
بجو جمع چو ده گم

غنچه که داد در ده گم  
غنچه که داد در ده گم

غنچه که داد در ده گم  
غنچه که داد در ده گم

در شهر ماه در قفس بی قی  
لحمه اندوه من در آب انداز

به نهم شب اگر ای میباید  
از او بر دست محمد از شب لزار

سینه  
 درم حلا  
 نفع  
 جگر  
 بدبر  
 حکم  
 باران  
 است  
 لک  
 در

ناز  
 سنگ  
 خون  
 راز  
 حکم  
 در  
 در  
 اند

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الذين هم خير البرية  
أجمعين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خير البرية  
أجمعين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خير البرية  
أجمعين

اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خير البرية  
أجمعين

نور

مرا در پی  
که هم به  
چشم

را در پی

مرا در پی  
چشم

چشم  
مرا در پی  
چشم

و الله

نور

مرا در پی  
چشم

و الله

مرا در پی

چشم  
مرا در پی

چشم  
مرا در پی

چشم  
مرا در پی

نعلین  
محب  
مهر دل کسب  
باز باریک الدوام

حافظه در شرب محسن  
کاس بابر بطریق مدام  
نفس مملو از نور انوار  
محب در جواب

قد بنده را تا یسر کدم  
در خفته ام در لعل میمر لعل

نعلین  
محب  
مهر دل کسب  
باز باریک الدوام

مفهم زلف را در شرب محسن  
دوران غریب ملائک شمع لعل  
نفس مملو از نور انوار  
محب در جواب

مگر بدین دلا دار مار در کاس  
بسیح و چه دار کار ز غم لعل

دل

دل شوق بیدارم  
 یار دلش کجاست  
 جان من در لب لعلش  
 در آید دل بدارم  
 کوزه در لب بدارم  
 در آید من بدارم

یار من بدارم  
 یار من بدارم  
 یار من بدارم  
 یار من بدارم  
 یار من بدارم  
 یار من بدارم

۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

مراد من

15

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

عصه معجونه  
در این کتاب  
در این کتاب

پیشہ دراز  
نہی

رسالة ابن أبي اسحاق  
إلى أخيه أبي بكر

ایستاد و عذر ایستاد  
چون صدم ایستاد

من و عشق لب پی لاله  
حیات از آب سر دم است

نوا و صحرای زار و صحرای  
از حجاب

ایستاد و عذر ایستاد  
چون صدم ایستاد

بر منم رستم مرا صدم  
دم شمشیر او تا بدم است

بجوایب عطر که می آید  
عذر را برام اداره است

در این جهان در این عالم  
نشد بهر دست و پا  
نشد بهر دست و پا

در این جهان بود در این  
که بود بهر دست و پا  
نشد بهر دست و پا  
نشد بهر دست و پا

نشد بهر دست و پا  
نشد بهر دست و پا  
نشد بهر دست و پا

در این جهان بود در این  
که بود بهر دست و پا  
نشد بهر دست و پا  
نشد بهر دست و پا

خدا و خدایان  
ز من در جوار  
خدا و خدایان

چون روی  
ببین روی  
که مکنم چشم بیدار

خدا و خدایان  
خدا و خدایان  
خدا و خدایان

خدا و خدایان  
خدا و خدایان  
خدا و خدایان

اه که عاشق در بهی  
که کند دل چه بزرگ

خدا و خدایان  
خدا و خدایان  
خدا و خدایان

ایستاد  
پیشانی  
ملاک  
صدا  
درین

اگر لوفاع  
در حال

فرق  
از پیش

حاصل  
درین  
بسیار  
کمتر

ایستاد  
پیشانی  
ملاک  
صدا  
درین

بهر دگر  
که لوفاع  
در حال

حاصل  
درین  
بسیار  
کمتر

بیا بیای که کعبه  
بیا بیای که کعبه

که دارم از تو  
که دارم از تو

بیا بیای که کعبه  
بیا بیای که کعبه

بیا بیای که کعبه  
بیا بیای که کعبه

که دارم از تو  
که دارم از تو

بیا بیای که کعبه  
بیا بیای که کعبه

خداوند من و تو را  
از همه غمها و اندوهها  
و غمهای دنیوی و دینی  
و غمهای دنیوی و دینی

در هیچ دردی که باز یاد دارد

در چه بگویم این همه غمها را

خداوند من و تو را  
از همه غمها و اندوهها  
و غمهای دنیوی و دینی  
و غمهای دنیوی و دینی

خداوند من و تو را  
از همه غمها و اندوهها  
و غمهای دنیوی و دینی  
و غمهای دنیوی و دینی

خداوند من و تو را  
از همه غمها و اندوهها  
و غمهای دنیوی و دینی  
و غمهای دنیوی و دینی

خداوند من و تو را  
از همه غمها و اندوهها  
و غمهای دنیوی و دینی  
و غمهای دنیوی و دینی

خداوند من و تو را  
از همه غمها و اندوهها  
و غمهای دنیوی و دینی  
و غمهای دنیوی و دینی

باز به ستم  
از هیچ  
باز به ستم

باز به ستم  
از هیچ  
باز به ستم

باز به ستم  
از هیچ  
باز به ستم

باز به ستم  
از هیچ  
باز به ستم

باز به ستم  
از هیچ  
باز به ستم

باز به ستم  
از هیچ  
باز به ستم

در بهار  
و حال  
سبزه  
در بهار

در بهار  
و حال  
سبزه  
در بهار

خون ما خورده این قدر  
از بهار چه در حال

همچو فطرت این چنین  
از بهار چه در حال

هر زمانه در بهار  
از بهار چه در حال

هر زمانه در بهار  
از بهار چه در حال

در این شهر که در این شهر  
در این شهر که در این شهر

در این شهر که در این شهر  
در این شهر که در این شهر

در این شهر که در این شهر  
در این شهر که در این شهر

در این شهر که در این شهر  
در این شهر که در این شهر

در این شهر که در این شهر  
در این شهر که در این شهر

در این شهر که در این شهر  
در این شهر که در این شهر

از صفت حق تعالی  
ما از صفت حق تعالی

اینکه کند جام جم از تو  
تا بر تو عرضه دلا و اول

سپید  
از صفت حق تعالی  
تا بر تو عرضه دلا و اول

از صفت حق تعالی  
ما از صفت حق تعالی

خاں و سر کو کند غم  
سخت رفته ده پیران بار

از صفت حق تعالی  
تا بر تو عرضه دلا و اول

در عالم انوار صافی

شیرین سحر ایراکلوط  
شیرین سحر ایراکلوط

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
الذي كنا لنهتدي لہ  
ما كنا لنهتدي لہ  
ما كنا لنهتدي لہ

یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم

یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم

یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم

یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم

یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم

یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم  
یا ابراهیم

ایک رستہ پر چلے  
جس کا پتہ ہے  
میں نے پہچان لیا

فغان نہ مع دلم صدمہ دار  
چہ در گد مع رگشہ

شہید ہوا  
میں نے پہچان لیا  
میں نے پہچان لیا

ایک رستہ پر چلے  
جس کا پتہ ہے  
میں نے پہچان لیا

کسر مع مل اویں  
کہ دالم اندہ دید اسرار

میں نے پہچان لیا  
میں نے پہچان لیا  
میں نے پہچان لیا

سرفه لا ملام  
در کمال

منع از هر دو سیه  
از هر دو سیه

در کمال  
از هر دو سیه

در کمال  
از هر دو سیه

منع از هر دو سیه  
از هر دو سیه

در کمال  
از هر دو سیه

جناب اسرار اقدس از ارباب  
صفت رابع جلاله

زاهد طاهر از اهل ارباب  
هر چه گوید در حق ما حاضر است

در طیف حرم ارباب  
المسبحین ابدل

کتابت در حرم ارباب  
کتابت در حرم ارباب

صاحب ارباب مکتوبه  
کتابت در حرم ارباب

عشق در حرم ارباب  
عشق در حرم ارباب

بسیارند  
صوفیان در بیان  
در خجرات

دل غریب مر سار  
کر چه شب را دل بر آید

نام قاطع را بداند  
از صفات

بسیارند  
صوفیان در بیان  
در خجرات

همچو از دهن سر  
که به بزار ده چشم

صف  
فراق صف  
که چشم و حلال

ایستادگار در این  
دیده شد که اولی  
دیده شد که اولی

سفر در راه  
بر صراط ما که هر دو نفر

نصف سال  
از راه و هم

مکنده جان را و اندکی  
کوندید و دیدم از جوانان

عشتر ز پیکر من و کس که در راه  
شب از راه را که پیکر

عشق که از راه  
در راه و هم

دلش در صفا و صفا  
نشد شب و روز  
دلش در صفا و صفا  
نشد شب و روز

دل که در دل مرغان بود  
باز مشتاق کمان فایر بود  
دل که در دل مرغان بود  
باز مشتاق کمان فایر بود

عفو را صفا و صفا  
در دلش در صفا و صفا  
عفو را صفا و صفا  
در دلش در صفا و صفا

دام را در صفا و صفا  
نشد شب و روز  
دام را در صفا و صفا  
نشد شب و روز

دام را در صفا و صفا  
نشد شب و روز  
دام را در صفا و صفا  
نشد شب و روز

بوفه را صفا و صفا  
در دلش در صفا و صفا  
بوفه را صفا و صفا  
در دلش در صفا و صفا

دل پاک راه سوا حق  
که دیده است از این  
حاشا این گفتار

بیشخص صمیمی  
همال در کن راقی نشسته

صفت  
نظم  
صفت  
عزیز

از حسن و زینت  
سپیده دم که در هوا

بعثت از نو در راه  
از بزم بدید سر کمری

مده به کار ملک  
که حافظ و عارف

باب چهارم در بیان  
مهر که در راه خوار دارد

توسعه در صدد دره اهد در  
من اینجا به درنا دره در

در این صفت  
در این صفت

باب پنجم در بیان  
مهر که در راه خوار دارد

حافظ لطف می اریا گو  
بیش فارع رسم درج و بر

که در این صفت  
که در این صفت

معدود  
صفت کمال  
نار زخم چشید

سندره بر خسته و به گشت  
دل بریده و در پس در گشت

ناله ای که در صحن  
سکه خورده است

طرب بر عین  
نه طوفان در پیش

لب در شمع کبریا  
صراط هم در دران که گشت

باد را در عین  
که خوار در این عالم

بدرگاه درگاه درگاه  
بدرگاه درگاه درگاه  
بدرگاه درگاه درگاه

همچون سپهر دارم که بعد از آن  
مهر مهر در دل مهر مهر در دل

درگاه درگاه درگاه  
درگاه درگاه درگاه  
درگاه درگاه درگاه

بدرگاه درگاه درگاه  
بدرگاه درگاه درگاه  
بدرگاه درگاه درگاه

کرم درگاه درگاه درگاه  
کرم درگاه درگاه درگاه  
کرم درگاه درگاه درگاه

بدرگاه درگاه درگاه  
بدرگاه درگاه درگاه  
بدرگاه درگاه درگاه

دلم که عیال من  
سرم کار و بار من

صبر و استقامت من  
سر برکت آن برادر و لوط من

صبر و استقامت من  
سر برکت آن برادر و لوط من

دلم که عیال من  
سرم کار و بار من

صبر و استقامت من  
سر برکت آن برادر و لوط من

صبر و استقامت من  
سر برکت آن برادر و لوط من

دل مجنون  
دل مجنون  
دل مجنون

شعر من  
شعر من  
شعر من

بسم الله الرحمن الرحيم  
بسم الله الرحمن الرحيم  
بسم الله الرحمن الرحيم

دل مجنون  
دل مجنون  
دل مجنون

شعر من  
شعر من  
شعر من

بسم الله الرحمن الرحيم  
بسم الله الرحمن الرحيم  
بسم الله الرحمن الرحيم

نیت از حق و حلال  
بایک زرد و زرد

در کس صومعه ای و شمس

عکس عذر در فی در عالم خال

طریق صبر و استیلا کرد  
از راه شرف و طهارت

نیت از حق و حلال  
بایک زرد و زرد

یا در د با هزاره طریقت

یا حصه زرد با هزاره در

نیت از حق و حلال  
بایک زرد و زرد

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

سبحن الله رب العالمين  
الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين  
الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين  
الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين  
الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين  
الحمد لله رب العالمين

دین جان علم در آید  
بیا عهد آن که هر چه در  
دین جان علم در آید

از درجه کمال  
بیا عهد آن که هر چه در  
دین جان علم در آید

بر آب انداختن شمشیر  
نغمه از مهر بردن رنجه

میلش موثر کرد و تر  
زبان کجاست و در موثر

فرود آمد بر سر  
دل از مهر بردن رنجه

بیا عهد آن که هر چه در  
دین جان علم در آید

از کعبه بیرون  
در راه صید

من دل نه کنم بر دل تو  
تو دل کسیر مده بر دل تو

ببین از سر بر چرخ  
در دگر کعبه

خود را کعبه بنام  
خود را کعبه بنام

بیز عشق او را برد راه  
بجو کردا مده از خمر راه

خوار دل تو با بابت  
که غم و اندوه

درخت بیدار بود  
هشامه صاحب  
مستوفی

نامه تو بهر قسم میگویم  
اگر کاش یک بار نامه میفرستم

از این که  
نشد دل بیدار بود  
مهری

بیدار بود درخت  
پس از این  
مستوفی

میسورم از دردت ای دلورده  
باز که تو ما را خوشتر از هر کجا

اگر چه  
باز در دل  
عش

شیرین و شیرین  
شیرین و شیرین  
شیرین و شیرین

احقر نظر بر کبر  
در دهر بر کبر

بیا صفای عهد  
از خرد و کبر

ما را کوکبا حکیم  
سید درویش و کیم

این فاعده خلاف برادر  
این خمر معاد و تیرا کهن

بیا صفای عهد  
بستنی و کبر

نیمین عطر آب  
که از روح بابل میعط

چه خوانی حرم با تحش  
بانی مست و عاقل با

روشنی از نور ابرار  
بدان و هر که از او

چراغ که از هر کس  
نور دارد

چو در حال مرصع  
بجو با تحش از حال مرصع

از هر کس که از او  
نور دارد

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

کجا در محبت بردارم  
هر ارباب بهجوم صفت

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

کستم که کنم شرح دوان درم  
اکالیم در این محرم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

في اجمال الحال قد نرى  
صرف الله عز وجل

ما في الدنيا من  
الافلاك والارض  
والبحر والسموات  
والجن والانس

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

سردار من سرارم که از دم  
در شکر ام رکها هم که

در این عالم  
از این عالم  
و این عالم  
و این عالم



بجهان بنگر  
چشم در چرخ  
نظاره

دامن خشت بر آتش  
معدن بران شوین لرزان

چشم در چرخ  
نظاره

چشم در چرخ  
نظاره

طرف لعل پس این  
کرچه سخن نمرد و فصل

چشم در چرخ  
نظاره

عصا جبر و کرم و کرم  
از کس محفل عابد و معابد

مکنند  
خسرو پیرانه سر قاصد و راند  
از کس لطف و کرم و کرم

نیمه کرم و کرم و کرم  
از کس لطف و کرم و کرم

عصا جبر و کرم و کرم  
از کس محفل عابد و معابد

مکنند  
خسرو پیرانه سر قاصد و راند  
از کس لطف و کرم و کرم

نیمه کرم و کرم و کرم  
از کس لطف و کرم و کرم



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والله اعلم بالصواب

الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والله اعلم بالصواب  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والله اعلم بالصواب

الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والله اعلم بالصواب  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

وآلهم أجمعين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خير خلقك  
أجمعين

اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خير خلقك  
أجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

وآلهم أجمعين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خير خلقك  
أجمعين

اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خير خلقك  
أجمعين



نشد بدین عالم  
چشم که در این عالم  
نشد بدین عالم  
نشد بدین عالم

مهرش بنوم  
اداس فی رحمان  
مهرش بنوم  
اداس فی رحمان

نشد بدین عالم  
نشد بدین عالم  
نشد بدین عالم  
نشد بدین عالم

نشد بدین عالم  
نشد بدین عالم  
نشد بدین عالم  
نشد بدین عالم

بیا که نوین  
نشد بدین عالم  
بیا که نوین  
نشد بدین عالم

نشد بدین عالم  
نشد بدین عالم  
نشد بدین عالم  
نشد بدین عالم

نفس را بربا  
عالم بر آید باره جوانان

ارغوان غم سحر دارد  
چشم را که نهان مرغان

بهر آینه  
ماه به نظر از آینه

نفس را بربا  
عالم بر آید باره جوانان

بهر آینه  
چشم را که نهان مرغان

بهر آینه  
ماه به نظر از آینه

باز می آید و هر که  
خود را از این راه

بهر که خواهد بود و هر چه خواهد  
کبر و ثناء و جود در این راه

از این راه که با اندام  
در این راه که با اندام

باز می آید و هر که  
خود را از این راه

چون این راه که با اندام  
بهر که خواهد بود و هر چه خواهد

از این راه که با اندام  
در این راه که با اندام

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين

الطاهرين  
أولاد آدم  
الذين هم خير خلق الله

على وجه الأرض  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خير خلق الله

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين

الطاهرين  
أولاد آدم  
الذين هم خير خلق الله

على وجه الأرض  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خير خلق الله

سکون  
مجلس  
ارادت را دارد

نقد و عیب  
نقد و عیب  
نقد و عیب

چشم بدان کور کس

خبردار از او در

بی رود از راه

بی از عیش

مجلس

خدا بدیدان

مجلس

مجلس

مستوفی

یو چشم لو حوال  
به کس معده دران

مستوفی  
مستوفی

مستوفی  
مستوفی

سپاه سالار  
مستوفی

مستوفی  
مستوفی

فیه کلمه محو  
بیا کلمه

برو کلمه  
شده کلمه

کلمه  
کلمه

کلمه  
کلمه

کلمه  
کلمه

کلمه  
کلمه

غزل بجا رسد

بمن بر او کس در کار مرا  
باز از جان کفر و زندقه

منم از بند او بگریخته  
بمن طوطی ز لعل و زلف

عشق و سر که در جهان مگر  
گاه از لب شاه که از کز

بمن بجا رسد  
بمن بجا رسد

بمن بجا رسد

بمن بجا رسد

بمن بجا رسد

بمن بجا رسد

بمن بجا رسد

بمن بجا رسد

بمن بجا رسد

بمن بجا رسد

بمن بجا رسد

بمن بجا رسد

بمن بجا رسد

بمن بجا رسد



1467

عصر سیزدهم و نیم صفت

سبب از این جهت  
که در این وقت  
که در این وقت  
که در این وقت

حاصل عصاره حرام بر چهل

در هر یک یک عدد و چهل و یک

عصاره حرام  
که در این وقت  
که در این وقت  
که در این وقت

بر کعبه الاطهره و شریف

که در این وقت  
که در این وقت  
که در این وقت

مرز چهل و چهل و یک

که در این وقت  
که در این وقت  
که در این وقت

عصاره حرام  
که در این وقت  
که در این وقت  
که در این وقت

سید  
کس و کس که  
با و ما خورشید و خورشید

سینا و سینا  
کوهین و کوهین  
از سید و سید

عبدالله و عبدالله  
عبدالله و عبدالله  
عبدالله و عبدالله

در اردو  
کس و کس که  
با و ما خورشید و خورشید

سینا و سینا  
کوهین و کوهین  
از سید و سید

عبدالله و عبدالله  
عبدالله و عبدالله  
عبدالله و عبدالله

سید محمد بن علی

نویسنده

کتاب

تاریخ

شماره

مجله

تاریخ

سید محمد بن علی

نویسنده

کتاب

تاریخ

شماره

مجله

تاریخ

بازار و قلع و معرکه

و منظر و دریا و دشت

مجمع و ازین و آن و کس

مجمع و ازین و آن و کس

و ازین و آن و کس

مجمع و ازین و آن و کس

سراسر عید  
دارد و در این روز

نزدیک است که  
و بعد از این روز

الآن است که  
و بعد از این روز

سراسر عید  
دارد و در این روز

نزدیک است که  
و بعد از این روز

الآن است که  
و بعد از این روز

زینب صدیق  
لحم و عصاره در آن

شیر و عصاره در آن  
عذیر و سوزان گوشت

عصاره در آن  
لحم و عصاره در آن

سند اسبانی  
مراد از آن

سند اسبانی  
مراد از آن

سند اسبانی  
مراد از آن

خداوند عالم

اینها را در کتاب

فردا در کتاب

در کتاب

در کتاب

در کتاب

در کتاب

فوج کرمه و اهل  
جنت

معه اشیاء  
و اشیاء  
و اشیاء

در آن  
و اشیاء  
و اشیاء

معه اشیاء  
و اشیاء  
و اشیاء

معه اشیاء  
و اشیاء  
و اشیاء

در آن  
و اشیاء  
و اشیاء

در  
دار عمارت  
و امیر حسن  
عبدالله خان

سودا به خط  
ایران که در  
ایران که در

سعدی  
نوروزی  
نوروزی

فزار  
نوروزی  
نوروزی

نوروزی  
نوروزی  
نوروزی

نوروزی  
نوروزی  
نوروزی

از این سخن که  
مستعدان را  
در این راه

از این سخن که  
مستعدان را  
در این راه

از این سخن که  
مستعدان را  
در این راه

از این سخن که  
مستعدان را  
در این راه

از این سخن که  
مستعدان را  
در این راه

از این سخن که  
مستعدان را  
در این راه

که در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب  
در این کتاب که در این کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين  
وآله الطيبين الطاهرين  
السلامة والبركات

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين  
وآله الطيبين الطاهرين  
السلامة والبركات

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين  
وآله الطيبين الطاهرين  
السلامة والبركات

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين  
وآله الطيبين الطاهرين  
السلامة والبركات

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين  
وآله الطيبين الطاهرين  
السلامة والبركات

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين  
وآله الطيبين الطاهرين  
السلامة والبركات







زلفه عشق اگر فدا تو صیب  
چو از کج افروزمم از تو

خست و خوار و شکسته  
کمر و زانو زانو

مکوه مرگ این جهان  
من زمین دایره بروم آورد

در این عالم  
سزای منم

بدان عالم  
خواهم که بر دوش من  
عمد منم

بشیر تو هنوز باز نسید  
از کار دست نه بزم آید

بشیر تو  
خست و خوار و شکسته  
کمر و زانو زانو

در این عالم  
جست در دشت و بزم آورد

در این عالم  
سزای منم

وله لفظ  
بر من از خود تو چند که بدو  
چرخ غیب تویم همه از بار تو

من ارجم محمد للفقہ

پیر صمد و سیدان من ابی

دست کشور سید احمد

که شمع نام سید من ابی

چشم بین من ابی

فخون عارف سید احمد

صمد و سیدان من ابی

دست کشور سید احمد

که شمع نام سید من ابی

چشم بین من ابی

فخون عارف سید احمد



در روز شنبه هر طایفه  
برده خود را در آن ماه  
و در آن روز  
بمهر و خورشید  
نمودند و بعد از آن  
که بر سر هر یک  
نمودند و بعد از آن  
که بر سر هر یک

در روز شنبه هر طایفه  
برده خود را در آن ماه  
و در آن روز  
بمهر و خورشید  
نمودند و بعد از آن  
که بر سر هر یک  
نمودند و بعد از آن  
که بر سر هر یک

خداوند منجی را بخیر مصطفی  
که این نصرت کنم تا تو شکر خود

ببین زلف را بر سر  
ببین زلف را بر سر

زلف غمزه تو دلست صبر ما بر سر  
هر دم تامل از کوه غمزه فر خود

ببین زلف را بر سر  
ببین زلف را بر سر

همین بسرت و نه میا که  
بخون مهر تو این در دگر

در

خداوند منجی را بخیر مصطفی  
خداوند منجی را بخیر مصطفی

ببین زلف را بر سر  
ببین زلف را بر سر

خداوند منجی را بخیر مصطفی  
خداوند منجی را بخیر مصطفی

ببین زلف را بر سر  
ببین زلف را بر سر

خداوند منجی را بخیر مصطفی  
خداوند منجی را بخیر مصطفی

ببین زلف را بر سر  
ببین زلف را بر سر

کس که بفار طوف غم می کشد  
بی درد دلت که مرد و لکارت  
خسته و خسته  
خسته و خسته  
خسته و خسته  
خسته و خسته  
خسته و خسته  
خسته و خسته  
خسته و خسته  
خسته و خسته

بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم

اگر بوی فم زلفم بگویم  
شکر بر آب چشمم بگویم

هزار بار می برم چه شمع زنده کنم  
که تا مرد و دلت غم نشیرم و دلت را

سرمه که بمغفوقه می کشی

الا این به غم می کشی  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم  
بهر کسی که دلم به پیچم

تو در زمانه از یاد من  
تو در زمانه از یاد من

بغیر فتنه زن زینست  
بقدر نشستن در طرف

بسیک اینج و فلا و فین  
بسیک اینج و فلا و فین

بزرگم بر سر رهون از دم  
بزرگم بر سر رهون از دم

بزرگم بر سر رهون از دم  
بزرگم بر سر رهون از دم

بزرگم بر سر رهون از دم  
بزرگم بر سر رهون از دم

مکمل او بر کوه و دره  
سازم فرجه بر سر

سازم فرجه بر سر  
سازم فرجه بر سر

سازم فرجه بر سر  
سازم فرجه بر سر

سازم فرجه بر سر  
سازم فرجه بر سر

سازم فرجه بر سر  
سازم فرجه بر سر

بیت انتم و کرم من زار  
چو ششم صد از و صلی از

سرم به که مغموم و پند

فغان را که در دست  
نه در صبح

ز ناله شمس اعدا نکش رود  
که رستم شد از اعدا رود

سکه به سحر  
زین و ده و ده

قرار و هر کون گزینند  
قرار و هر کون گزینند

نیز از ده و ده و ده  
نیز از ده و ده و ده

بر کانه که در از هر او چیدم  
ز هر بر دم که در از هر او چیدم

مخفی چه از ده و ده  
مخفی چه از ده و ده

مخفی چه از ده و ده  
مخفی چه از ده و ده

در دهم سزا چون  
تن عرقه خود بچشم

نور عین نور  
در عین نور

از نور که خورشید و آفتاب  
از کینه بکشم که چرخ جو

بر از رخسار  
باز رخسار

از هوا و جو که گدازد  
از خست و کجا دارد  
مهم

سرمه که بگشاید و بپوشد

سرمه  
الایه صمد بنفسم  
بسیار

بر آن، در عزرا البدر کار  
بکس زاده ام قهوجی

با جمیع احباب خود  
رستین و محبت

بر ارم از دغیر از اهلتم  
بکس زاده ام قهوجی

حور از توفیق هم کجاست  
که غم شده بر رخ ماهی

حور از نور جان ز سر  
حور از نور جان ز سر

از تنویر روزگارم  
دریا که شکست کارم

از هزار غم صمیم  
حور از نور جان ز سر

در کونست یک صفتی  
نبو چکنم یک جان درد

کونست لغو لای غم  
که نور است از رخ ماهی

حور از نور جان ز سر  
حور از نور جان ز سر

از تنویر روزگارم  
دریا که شکست کارم

از هزار غم صمیم  
حور از نور جان ز سر

در کونست یک صفتی  
نبو چکنم یک جان درد

سوره که بخواند در وقت

از صبح تا شب  
در هر روز

پیغام که از حق نرسد  
و جیب که از حق نرسد

از حق نرسد  
و جیب که از حق نرسد

کوثر که از حق نرسد  
چاکه که از حق نرسد

ان که بر سر آب است  
و نه حکمت از حق نرسد

در هر روز  
در هر روز

یکه از حق نرسد  
در هر روز

از حق نرسد  
و جیب که از حق نرسد

کوثر که از حق نرسد  
چاکه که از حق نرسد

دینت نامہ پڑھائی  
جمع ہر جمعہ

کھانا صبح و شام  
اور زعفران

مردم بہمن ایک کا اور  
شاید برہمنیت و لغو

ابن ابی حنیفہ  
در بیان اور منظر

اسکے کہ برتھ مع دعا

درم نفع شہر میں

کھانا صبح و شام  
اور زعفران

رنگینہ طبع  
شیریں گھون

دعوت پڑھنا و رسم  
جمع طواف صفت

پاکتہ کہ درت زعفران  
اور درم جمع کھانا

پیش کا صف حضرت کو

جان دولت تو جو

طایفه بایدها  
در دهان زان

در دهان زان  
در دهان زان

این طایفه که ما را نوشتند  
در دهان زان

از دهان زان  
در دهان زان

در دهان زان  
در دهان زان

طایفه بایدها  
در دهان زان

در دهان زان  
در دهان زان

این طایفه که ما را نوشتند  
در دهان زان

از دهان زان  
در دهان زان

در دهان زان  
در دهان زان





کتابخانه  
موزه و مرکز اسناد  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

نسخه  
مخطوطه

در کتابخانه  
موزه و مرکز اسناد  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

در کتابخانه  
موزه و مرکز اسناد  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

در بیان فضیلت و مناقب حضرت علی علیه السلام

This image shows a blank, aged, light brown paper cover or endpaper of a book. The paper has a mottled texture with faint, illegible markings. The cover is framed by a thin orange border and a green border. The paper shows signs of wear and discoloration, with some darker spots and a slightly uneven tone. The overall appearance is that of an old, well-preserved but aged piece of paper.



در هر دو فارسین سخن است  
چنانکه شکر شمع است

نیچر و غیره  
فیض و غیره

خوب و نفعی خود لوم  
سرخ و سبز که نه سالم

سجده و سجده  
میز و میز

دل که غریز من لوم  
زنی ده کثورت لوم

سجده و سجده  
سجده و سجده

سجده و سجده  
سجده و سجده

سجده و سجده  
سجده و سجده

منهم که مندر لوم  
فلا شوق لوم

سجده و سجده  
سجده و سجده

سجده و سجده  
سجده و سجده

سجده و سجده  
سجده و سجده

سجده و سجده  
سجده و سجده

سجده و سجده  
سجده و سجده

سجده و سجده  
سجده و سجده

سجده و سجده  
سجده و سجده

حسرت نامہ نقد صفحہ ۲۴

از هر چه در دست  
براهم زن رسم شریک  
نقش  
از کج رو ان  
و بران کین خاست

از دانه های پهنه های  
دور که کنایه دهنه های  
از دانه های پهنه های  
از دانه های پهنه های

و در عین محکم ریاضیه  
چون هم توفیق یافت

۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

و لور نو محمد مهس دوری  
بسترین و غنیمت رقی

عدد ۱۰۰۰  
یا ۱۰۰۰  
یا ۱۰۰۰  
یا ۱۰۰۰  
یا ۱۰۰۰

در دست حق سر ای

در دامن من چه لک لک

در دامن من چه لک لک  
در دامن من چه لک لک  
در دامن من چه لک لک

کلاهش بر کلاه من

چون بود در دامن من

چون بود در دامن من  
چون بود در دامن من  
چون بود در دامن من

فلک کمره از دامن من

چون بر کشد از دامن من

خداوند خدای من

اگر از دامن من

اگر از دامن من  
اگر از دامن من  
اگر از دامن من

کلمه کلمه حق در دامن من

حق با زود در دامن من

حق با زود در دامن من  
حق با زود در دامن من  
حق با زود در دامن من

اگر دامن من در دامن من

چون دامن من در دامن من





مهرش در دین سینه جان  
رین بران دلهای جان  
ز خط غمش  
ز غم غمش

مهر را از دین خود  
صفه بجز خیمه الویش  
ز سر و ده غمش  
ز اطوار غمش

مهر در ده درختی نه غمش  
شیرا و کشت بزم لار

کران بر طریقت حرکت  
همیشه در لایقین بهشت  
کران در طریقت لار و لار  
ز سر و ده غمش

غمش ز نه لیم و لیم  
نخن از عشق کویم جهان  
غمش ز نه لیم و لیم  
ز سر و ده غمش

که دین محض نور بر لار  
کشید لیم به شمر ز در لار

که با هر چه در جهان است  
جدا از هر چه در دهر است

خدا در هر چه است  
در هر چه است

به هر چه در دنیا است  
به هر چه در دهر است

چه به هر چه در دنیا است  
چه به هر چه در دهر است

سگر در هر چه است  
و در هر چه است

نیار در هر چه در دهر است  
تبع که در هر چه در دهر است

بهر چه در دهر است  
بهر چه در دهر است

در هر چه در دهر است  
در هر چه در دهر است

بهر چه در دهر است  
بهر چه در دهر است

در هر چه در دهر است  
در هر چه در دهر است

که نیم شتر لقمه نشد  
 سخن دارم و ناکفته باز  
 تو چه راز می پرسی  
 جو و داد و دشت از چوین  
 سخن سر کرده و خسته  
 در کمال راز و نیاز  
 صفت از سر و پا  
 چون در دشت و باغ و بو  
 در کمال شرافت و شرف

دست بر دست بر دست  
و یاد می خور از دست

غبار از دست  
و دست بر دست

براک که شتر شکیلی که  
چو در کف هر شتر کمانی که

چو در کف هر شتر کمانی که  
چو در کف هر شتر کمانی که

در از برقم بر شتر  
بکشد لطف که شتر

بازم بشتر از شتر کرم  
دستون به پهلوانم بر شتر

دستون به پهلوانم بر شتر  
دستون به پهلوانم بر شتر

منور این عرف میسر ان کاش  
که تا که در هر کف شتر

چو در کف هر شتر کمانی که  
چو در کف هر شتر کمانی که

بالع شتر که شتر  
بان صد گونه شتر

من خوش که ز تو زوی  
نور از شعف ز کثر زوی

هر که در کعبه  
چو در کعبه

چو در کعبه که کعبه  
کعبه ازین کعبه

در کعبه که کعبه  
در کعبه که کعبه

که ازین کعبه که کعبه

و کعبه که کعبه

سهر ازین کعبه که کعبه

که در کعبه که کعبه

چو در کعبه که کعبه

در کعبه که کعبه

که ازین کعبه که کعبه

و کعبه که کعبه



بنالده سه دار پرتو لهرک  
بنالده سه از افسردگیها

سایه مستطعمه  
سایه مستطعمه

سجده در جلوه کاه خورشید  
بهر سر در غرض خجسته

پیش از زنده و منفرد  
صفحه و کرم و سحر

در شرف کشت با صفت  
بهر فتنه و غروب

چرخ حیرت و شرم و خجسته  
خزوف و شمع و شرم و خجسته

منش و من  
فوق و اسرار و من

جهان و غم و دگر و من  
بقم و نریم و دگر و من

نور و من  
نور و من

که اگر چه دیده پیرینه  
که در تها و من و من

بهاش عشق و فاشان سید  
پرست باش از کشتن سید

بهاش عشق و فاشان سید  
پرست باش از کشتن سید

ز صفا منزه باش از کشتن سید  
ز صفا منزه باش از کشتن سید

ز صفا منزه باش از کشتن سید  
ز صفا منزه باش از کشتن سید

ز صفا منزه باش از کشتن سید  
ز صفا منزه باش از کشتن سید

بیا یون از کوه در کوه نشو  
غزل در عشق کوه عبور شو

بیا یون از کوه در کوه نشو  
غزل در عشق کوه عبور شو

بیا یون از کوه در کوه نشو  
غزل در عشق کوه عبور شو

بیا یون از کوه در کوه نشو  
غزل در عشق کوه عبور شو

بیا یون از کوه در کوه نشو  
غزل در عشق کوه عبور شو



بشیر نه که بوی نه بخت  
و صفتش که شکر و مهر گشت

نقش در اعلم  
نقش در اعلم  
نقش در اعلم

بگشتن خاطر ز غمت نبرد  
که از لبه کمر و سر ز غمت نبرد

نغمه ز فغان  
نغمه ز فغان  
نغمه ز فغان

ز فغان کشته ز غمت نبرد  
یکو که کمر و سر ز غمت نبرد

بم غم صبر بان یار است بگذارد  
ملا بغم سر و دست بگذارد

بم غم صبر بان یار است  
بم غم صبر بان یار است  
بم غم صبر بان یار است

اگر چه بگشتن غمت نبرد  
که مرده بان دور روح نبرد

نغمه ز فغان  
نغمه ز فغان  
نغمه ز فغان

دماغ عیال ز غمت نبرد  
صفر صبر بان یار است

هر از آن که عرصه را بپوشد  
بهر که نعلی نه به پای

را به نعلی که نعلی  
را به نعلی که نعلی

بها روزه و نعلی  
چه نعلی که نعلی

نعلی که نعلی  
نعلی که نعلی

گوشت نعلی که نعلی  
بشر نعلی که نعلی

هر از آن که عرصه را بپوشد  
بهر که نعلی نه به پای

را به نعلی که نعلی  
را به نعلی که نعلی

بهمین نعلی که نعلی  
هر نعلی که نعلی

نعلی که نعلی  
نعلی که نعلی

سکران نعلی که نعلی  
نعلی که نعلی

نیم لک و سبزه بکر  
لک و لک و لک و لک

بسیار  
بسیار  
بسیار  
بسیار

لک و لک و لک و لک  
لک و لک و لک و لک

بسیار  
بسیار  
بسیار  
بسیار

لک و لک و لک و لک  
لک و لک و لک و لک

لک و لک و لک و لک  
لک و لک و لک و لک

بسیار  
بسیار  
بسیار  
بسیار

لک و لک و لک و لک  
لک و لک و لک و لک

بسیار  
بسیار  
بسیار  
بسیار

لک و لک و لک و لک  
لک و لک و لک و لک

مهر در خور حجب و فای  
نکین بیکانه مهر شای

نخود را  
در بخت بخت  
نخود را در بخت

خود را در بخت  
خود را در بخت

خود را در بخت  
خود را در بخت

خود را در بخت  
خود را در بخت

را که بر بخت  
چین بر بخت

خود را در بخت  
خود را در بخت

خود را در بخت  
خود را در بخت

خود را در بخت  
خود را در بخت

خود را در بخت  
خود را در بخت

اگرچه نه سببه لعل را در  
دماغ از بهر شسته هم بیاورد

و بپوشد خشم از کلاه  
ز جبین ز جبین

که امرو در روز و جو  
نان عیش و دلفش

چون خورشید در آید  
چون خورشید در آید

نان خوشه در مسکن دریا  
شب عیش و دلفش

بطاعت پر مغز خیر دست  
قدم در طرف باغ نموده

چون خورشید در آید  
چون خورشید در آید

که نغمه محبت رود در آید  
چون خورشید در آید

چون خورشید در آید  
چون خورشید در آید

ز غم و اندیشه در آید  
ز غم و اندیشه در آید

همه کرم من در شربت

همه جانان در دهن

همه کرم من در شربت  
همه جانان در دهن

همه زتاب مرا در چوهر  
همه کرم من در شربت

همه کرم من در شربت  
همه جانان در دهن

همه کرم من در شربت  
همه جانان در دهن

همه کرم من در شربت  
همه جانان در دهن

همه کرم من در شربت

همه جانان در دهن

همه کرم من در شربت  
همه جانان در دهن

همه کرم من در شربت  
همه جانان در دهن

همه کرم من در شربت  
همه جانان در دهن

همه کرم من در شربت  
همه جانان در دهن

همه کرم من در شربت  
همه جانان در دهن

بجند اگر آب

در آب خفته غرق در آب

خفته در آب در آب  
خفته در آب در آب

ترشها را بر از هر لاری

بو چند لکه نشسته غیری

خفته در آب در آب  
خفته در آب در آب

مد از کف طعمه کافه بخور است

پریش نه از هر قمر است

بیر کمر بر سر کله داری

پریش در دهان کوه داری

خفته در آب در آب  
خفته در آب در آب

گرفت هر کجا در لاری

پس کلنگ در دست کف داری

خفته در آب در آب  
خفته در آب در آب

همه در باغ جان نازک رسا

همه در باغ طهر عین غدا







باز در این شمع افروز  
در صدف نعلین افروز

نهار عریض از در کجاست  
خاک مر این قعره در هر

در این صدف کجاست  
در این صدف کجاست

عین صدف کجاست  
در صدف کجاست

از حریف فرد در راه کجاست  
فکرش کجاست در این راه

در این صدف کجاست  
در این صدف کجاست



بدر آن صبح  
دیده ای که در آن  
بدر آن صبح

منم از اندک  
دلم خوش در آن  
صبح  
که در آن  
از هر طرف  
فرشته صبح

صبح  
دیده ای که در آن  
بدر آن صبح

دل حرم از آن  
خواهر است  
صبح  
که در آن  
بیا ز من  
ز من صبح



از زلفه بگل  
از زلفه بگل  
از زلفه بگل

سحره حرف  
من در چشم  
من در چشم

دل را از  
دل را از  
دل را از

از زلفه بگل  
از زلفه بگل  
از زلفه بگل

شاد لبه با  
کرشته لب  
کرشته لب

جان من  
جان من  
جان من



شیرین را بهر جان  
کند و فرزند  
کند و فرزند  
کند و فرزند



بیا که درین صحن  
بگردان آرد این

بر آتش زده کوه  
کس از حرم کرده

چو حسن را چون  
چو حسن را چون

است این  
که درین صحن

نداده مهر بر دل  
کف از حرم پرده

عجب این  
عجب این



عشق  
خوار

شکست  
سید

جگر  
دل

خوار  
سید

عشق  
خوار

شکست  
سید

جگر  
دل

خوار  
سید

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين

طاهرين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خيرة الكون

والعالمين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خيرة الكون

والعالمين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خيرة الكون

والعالمين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خيرة الكون

والعالمين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خيرة الكون

والعالمين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خيرة الكون

والعالمين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خيرة الكون

درینا راجه در اینا  
درینا راجه در اینا  
درینا راجه در اینا

تا که در اینا راجه  
خود کوشش در اینا

درینا راجه در اینا  
درینا راجه در اینا  
درینا راجه در اینا

با هر فصد در اینا  
بهرین بر سر در اینا

درینا راجه در اینا  
درینا راجه در اینا  
درینا راجه در اینا

تا که در اینا راجه  
از اینا راجه در اینا

درینا راجه در اینا  
درینا راجه در اینا  
درینا راجه در اینا

در اینا راجه در اینا  
در اینا راجه در اینا



خداوند بزرگوار  
نسبت به او هر چه  
است

تیم که شهادت کرد  
چندین سال در راه  
پادشاه

صاحب  
کتاب  
که در راه  
پادشاه

بجهاد علیه کفار  
و مجرمین  
و کافران

بر من شده است  
و کفر  
و کفر

که در راه  
پادشاه  
و کفر



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

لبابك يا رب  
يا رب يا رب  
يا رب يا رب  
يا رب يا رب  
يا رب يا رب

يا رب يا رب  
يا رب يا رب  
يا رب يا رب  
يا رب يا رب  
يا رب يا رب

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

عسم ربك يا رب  
عسم ربك يا رب  
عسم ربك يا رب  
عسم ربك يا رب  
عسم ربك يا رب

يا رب يا رب  
يا رب يا رب  
يا رب يا رب  
يا رب يا رب  
يا رب يا رب

مطهران صفه نادان باجمعه  
بیتش بر لب طرب

در این طغیان کجاست  
جای خفته در کجاست

از نفس  
کلیکیم بر لب سیر  
که بادسته زلفش

والله ای  
در کجاست در کجاست  
بوی این قلم در دیر

از غنیمت دار دل و جان  
خفته در دانه

منی بر زلفش کجاست  
کجاست ز غنیمت دل و جان

عش  
بود از مردم  
زین عشق سر

از عشق غریب زلفش  
کجاست خفته در غنیمت

دود جان از دل بیرون از کف  
کدام حرف بیرون از کف

محمّد را دم و محمّد را زلف  
نیکم خفایه حاصل

چو بر دانه پیرایه ایست  
از کف کلاه مستی خفایه

نیکم خفایه مقول از کف  
نیم مقول و خفایه نیکم

لکھنوی انداز مقابل  
چو این طرز نیکم

میرزا محمد علی بیگلر  
بر کف از کف عالم

اینهاست که از دست او برآید

و از دست او برآید و از دست او برآید

و از دست او برآید و از دست او برآید

و از دست او برآید و از دست او برآید

و از دست او برآید و از دست او برآید

و از دست او برآید و از دست او برآید

تقنی خلاف

خفت چو باد بر دریا

در این مکتب

در این مکتب

در این مکتب

در این مکتب

در این مکتب

در میان من و تو هر چه هست  
باید از تو بگویم که چنین  
حلقه بر تو زده ام و از تو زده ام  
و این را از تو بگویم که چنین  
منع از تو بگویم که چنین  
ناله با این ناله که از خانه خارج  
شمنی منع چه حاجت که از تو زده ام  
از حسن بداند که از خانه خارج

بجای من و تو هر چه هست  
نور از تو بگویم که چنین  
سعد از تو بگویم که چنین  
چنین از تو بگویم که چنین  
ناله با این ناله که از خانه خارج  
شمنی منع چه حاجت که از تو زده ام  
از حسن بداند که از خانه خارج

هر روز در کمال عجز از زبیدی  
بالت زبیدی در این روزها

نخستین  
تا عهد زبیدی  
بعد از این نفس

تا خاتم غنیمت در این  
از نظر زبیدی

زبیدی در این روزها  
باید که زبیدی

بالت زبیدی در این روزها  
چون غنیمت در این روزها

تا عهد زبیدی  
بعد از این نفس

تا خاتم غنیمت در این  
از نظر زبیدی

زبیدی در این روزها  
باید که زبیدی

و من بعد از این سلسله  
فردی که شسته مرده لاله را بر سر

من در خانه و جهان کشیدم  
روانم در دست بیدارم

فردا که سر بر دارم از راه  
نخچه کی رسد بقیعت نمازم

من در دروازه ای  
بنیم از غنیمت ده از دروازه ای

و من بعد از این سلسله  
فردی که شسته مرده لاله را بر سر

من در خانه و جهان کشیدم  
روانم در دست بیدارم

فردا که سر بر دارم از راه  
نخچه کی رسد بقیعت نمازم

من در دروازه ای  
بنیم از غنیمت ده از دروازه ای

سنگ در پیش آید به آغوش خند  
صدای لبه درم در اندام بیاب  
بشکر به پیش آید به لب من  
ببینی لعل شکر لب به آغوش  
همه کس به سرم آید به آغوش  
عزیز به پیش آید به لب من  
ببینی لعل شکر لب به آغوش  
همه کس به سرم آید به آغوش  
عزیز به پیش آید به لب من

سعدی بدین صحن در لب  
نظر به لب من آید به لب من  
ببینی لعل شکر لب به آغوش  
همه کس به سرم آید به آغوش  
عزیز به پیش آید به لب من  
ببینی لعل شکر لب به آغوش  
همه کس به سرم آید به آغوش  
عزیز به پیش آید به لب من

بختی که در این عالم  
نشدن به عین حق  
الهی که در این عالم  
نشدن به عین حق  
بختی که در این عالم  
نشدن به عین حق

بختی که در این عالم  
نشدن به عین حق  
بختی که در این عالم  
نشدن به عین حق  
بختی که در این عالم  
نشدن به عین حق

بختی که در این عالم  
نشدن به عین حق  
بختی که در این عالم  
نشدن به عین حق  
بختی که در این عالم  
نشدن به عین حق

بختی که در این عالم  
نشدن به عین حق  
بختی که در این عالم  
نشدن به عین حق  
بختی که در این عالم  
نشدن به عین حق

رسته بار بار زارم و بخت  
بیا بر سر کوه دقاره

کسی که از چشم عیب  
قادر از کس فراید که اراد

بروج سرخش از رخسار  
چون مریخ در چشم زرقاره

در هیچ کس سر زلف شیدا  
ولا از مقام درازند و دود

میر و شیدا را بر سر عیب  
عین منم بیدارم و قفاره

چون نه با نظر در نگاه  
خشم و زلف نیست زین خطاره

دشمن کور است و عیب  
پادشاهان همه را شاره

حس در مکتب از سر خار  
در باغی از دست خار خار

الکافور وال محمدی  
و بار بر بار علی

برایان در زمان عمر  
و بخوبی راه بیابان

کنش میزدند با کمر

بیابان در زمان عمر

حسب آن که می

نرسد آن کجا

در این ارض همیش

اگر بخت شایم

حباب نیندا می

حباب نیندا می

چو بخت آن دیران

دگر تا خود را بر

میکشایان در این

حکم برین در این

بخوان و داند

کس که در این

کس که در این

چو بخت آن دیران

دگر تا خود را بر

حکمت بی حد  
منه در پناه محبت

خداوند در این عالم  
واجب کسر از حد پرست

عنه ادرک از این غار  
در باره هر چه میسر

چون بیکر برادر  
برک غنای کفایت

باید چشم جهان زین سحر  
همیشه نهانند در سحر  
از این عالم و این کفر  
از این عالم و این کفر

از این عالم و این کفر  
از این عالم و این کفر

از این عالم و این کفر  
از این عالم و این کفر

از این عالم و این کفر  
از این عالم و این کفر

از این عالم و این کفر  
از این عالم و این کفر

کشتن چنانکه زود را به جانی است  
از اخای جهان بر وجهی است

هات از دل هر سر و پند  
با هر از چرخ چون زود و دور

از دهنم زود در دل  
شب بخیر اتم را بدین

وقت بر ابرویم  
در جبین بر ابرویم

مطرب از دستم  
و از دست شکر

بخت از دستم  
بخت از دستم

بخت از دستم

بخت از دستم

بخت از دستم

بخت از دستم

بخت از دستم

بگو ای بخت و زمان  
بگذار که از این بخت

بسیار عشق را دور  
دعوی که در محراب

زهر آفتاب و لوتی دار  
فحش از دهم و بیست

عده و دایم عشق  
ببینم از چه بخت

استخوان و آه و زاری  
در شهر و بیرون

دل در دهن

داده عشق و بر لب

عجز و کبر

بخت نشسته بر دربان

از غم و کینه

دیده در دهن

عشق با کور و زاری

جان و دل و عشق و جان

بفایده که بهان زاری

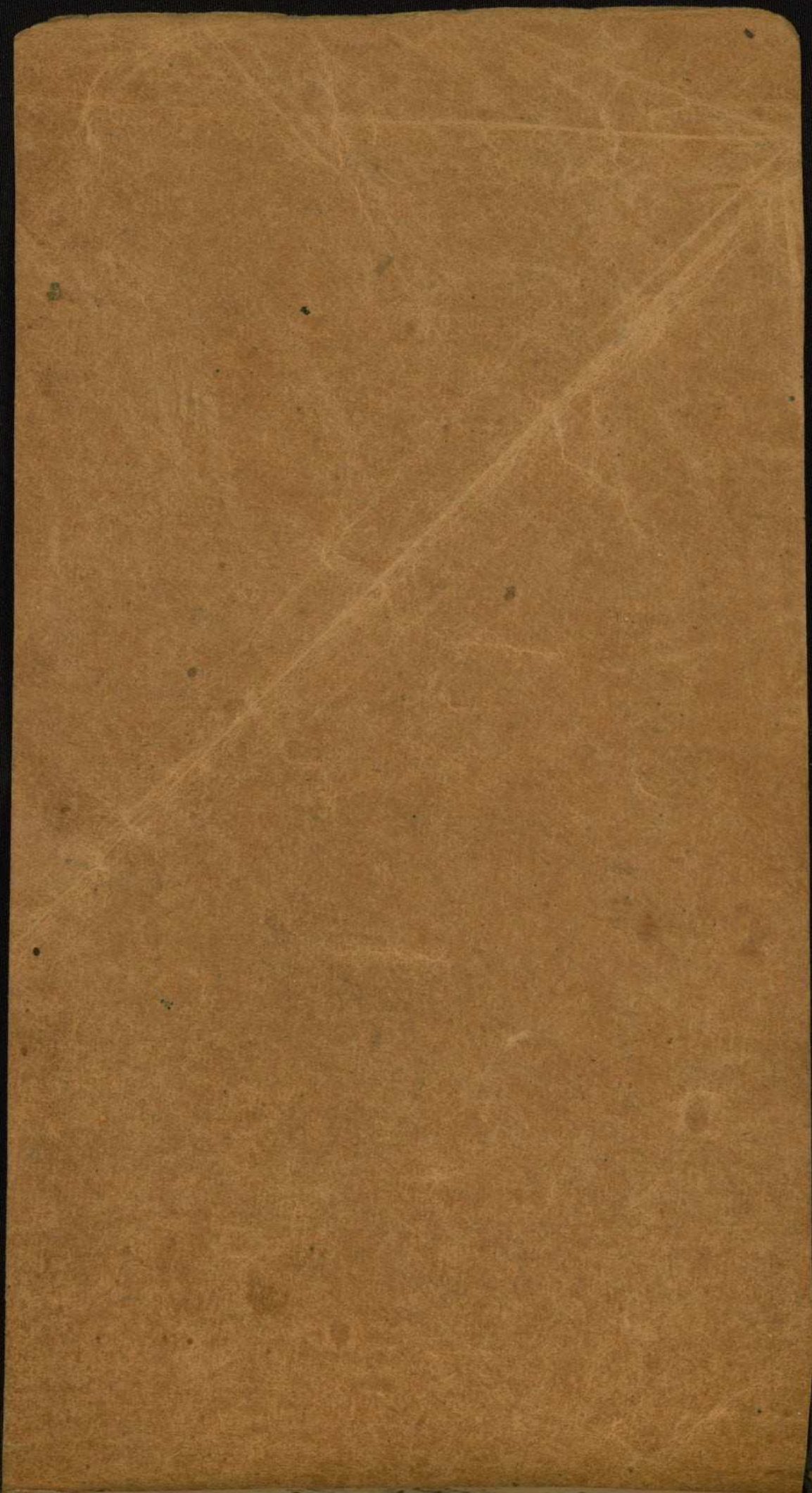
ببینم از چه بخت

بگو ای بخت و زمان  
بگذار که از این بخت

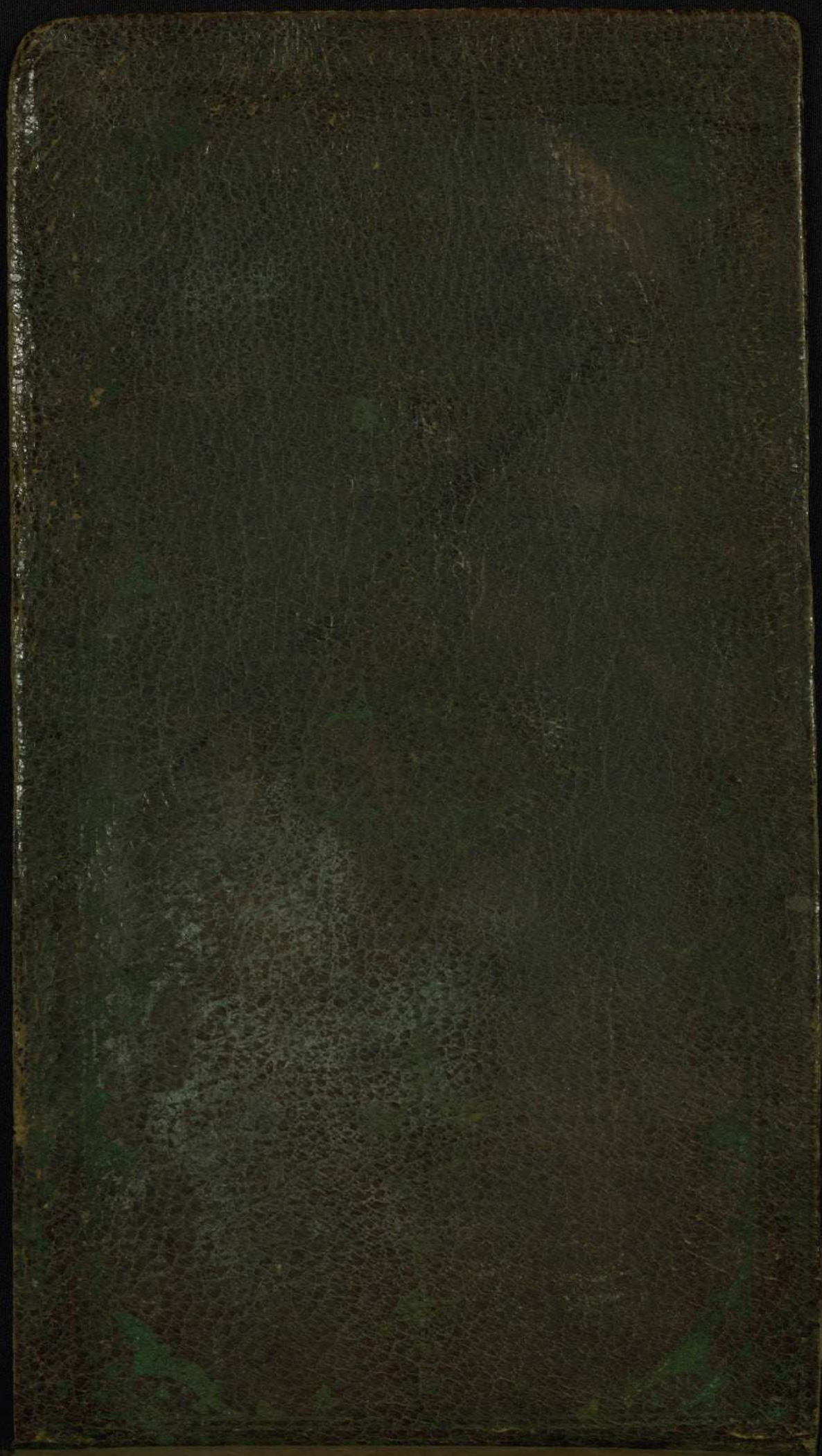
بسیار عشق را دور  
دعوی که در محراب

عده و دایم عشق  
ببینم از چه بخت

استخوان و آه و زاری  
در شهر و بیرون



997M







The Walters Art Museum  
600 N. Charles Street  
Baltimore, Maryland  
21201

<http://www.thewalters.org/>



<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/3.0/legalcode>  
Published 2009

*fol. 52b:*

*Title:* Majnūn with the wild animals

*Form:* Illustration

*fol. 85b:*

*Title:* A youth offers a seal (?) to his teacher

*Form:* Illustration

*fol. 97b:*

*Title:* Shīrīn admires the picture of Khusraw

*Form:* Illustration

*fol. 100b:*

*Title:* Fitnah carries an ox on her shoulders as Bahrām

Gūr watches

*Form:* Illustration

*fol. 127b:*

*Title:* A teacher and pupils

*Form:* Illustration

**Acquisition**

Walters Art Museum, 1931, by Henry Walters bequest

**Binding**

The binding is original.

Limp leather with painted cloth (no flap); Persian oblong (safīnah) format; floral decoration in the center panel

Ḥasratnāmah-i Ṣafā (fol. 27b) and Ghazaliyāt-i Jāmī (fol. 45b)

*Hand note:* Written in Shikastah script in black, red, blue, and white

*Decoration note:* Fifteen illustrations; framing lines in black, green, and red

## Decoration

*fol. 8b:*

*Title:* Bahrām Gūr kills a gazelle before Fitnah

*Form:* Illustration

*fol. 9b:*

*Title:* A holy man with a young girl

*Form:* Illustration

*fol. 11b:*

*Title:* Majnūn with the wild animals

*Form:* Illustration

*fol. 12b:*

*Title:* Shīrīn visits Farhād engaged in cutting rocks

*Form:* Illustration

*fol. 13b:*

*Title:* Khusraw watching Shīrīn bathing

*Form:* Illustration

*fol. 14b:*

*Title:* A sleeping mother surrounded by her daughters

(?)

*Form:* Illustration

*fol. 16b:*

*Title:* A boy presents a flower

*Form:* Illustration

*fol. 45a:*

*Title:* A woman with a cup of wine

*Form:* Illustration

*fol. 49b:*

*Title:* A dervish with a bowl for alms

*Form:* Illustration

<b>Shelf mark</b>	Walters Art Museum Ms. W.655
<b>Descriptive Title</b>	Anthology of Persian poetry
<b>Text title</b>	Muntakhabāt-i ash‘ār <i>Vernacular:</i> <div>منتخبات اشعار</div>
	<i>Note:</i> Title supplied by cataloger
<b>Abstract</b>	This is an illustrated collection of Persian poetry by such famous poets as Hāfiz, Sa‘dī, Jāmī, and Ṣafā. It was executed in Qajar Iran in an oblong format in the thirteenth century AH / nineteenth CE. The text, which is incomplete at the beginning and at the end, is written in ploychrome shikastah script. Fifteen paintings illustrate the text. The goatskin binding is original to the manuscript.
<b>Date</b>	Early 13th century AH / 19th CE
<b>Origin</b>	Iran
<b>Form</b>	Book
<b>Genre</b>	Literary -- Poetry
<b>Language</b>	The primary language in this manuscript is Persian.
<b>Support material</b>	Paper Laid paper with some leaves tinted
<b>Extent</b>	Foliation: i+131+i
<b>Dimensions</b>	7.0 cm wide by 13.0 cm high
<b>Written surface</b>	5.0 cm wide by 9.0 cm high
<b>Layout</b>	Columns: 2 Ruled lines: 6 Text written obliquely and horizontally; framing lines in black, green, and red
<b>Contents</b>	<i>fols. 1a - 131b:</i> <i>Title:</i> Muntakhabāt-i ash‘ār <i>Text note:</i> Incomplete at beginning and end; some leaves out of order; two clearly identified sections:

This document is a digital facsimile of a manuscript belonging to the Walters Art Museum, in Baltimore, Maryland, in the United States. It is one of a number of manuscripts that have been digitized as part of a project generously funded by the National Endowment for the Humanities, and by an anonymous donor to the Walters Art Museum. More details about the manuscripts at the Walters can be found by visiting The Walters Art Museum's website [www.thewalters.org](http://www.thewalters.org). For further information about this book, and online resources for Walters manuscripts, please contact us through the Walters Website by email, and ask for your message to be directed to the Department of Manuscripts.



A digital facsimile of Walters Ms. W.655, Anthology of Persian poetry  
Title: Muntakhabāt-i ash‘ār



Published by: The Walters Art Museum  
600 N. Charles Street Baltimore, MD 21201  
<http://www.thewalters.org/>



<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/3.0/legalcode>  
Published 2011